



International Labor Office (ILO) and the First Labor Law in Iran¹

Hossein Ahmadzadeh-Nodijeh² | Ghobad Mansourbakht³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: Reports the role of the International Labor Office (ILO) in enacting and formulating the first labor law in Iran in the late Qajarid and early Pahlavi years

Method and Research Design: Archival records and library materials were examined to collect data.

Findings & Conclusion: Reza Shah (1925-1941) was not interested in regulating employer-employee relation partly because of partly because of an undeveloped economy and the lack of the industrial proletariat. His concern about the left-wing parties. Initially he preferred to preserve the traditional work relation. He regarded the matter of merely internal He thought he could disregard the demand of ILO for reform. However, later he found it impossible to resist the international pressure and ordered the first labor laws to be drafted.

Keywords:

International Labor Office (ILO); Labour law; Iran; Reza Shah Pahlavi (1925-1941).

Citation:

Ahmadzadeh Nojideh, H., Mansourbakht, G. (2019). International Labor Office (ILO) and the First Labor Law in Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 6-40. (In persian)

1. This article was extracted from my doctoral dissertation under the title of "History of the Emergence and Evolution of the New Concept of Worker in the Modern Iran: 1906-1953".

2. PhD Student, Department of History, University of Shahid Beheshti, Tehran, I.R. Iran (Corresponding Author).

h_ahmadzadeh@sbu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of History, University of Shahid Beheshti, Tehran, I.R. Iran.

G_mansourbakht@sbu.ac.ir

Copyright © 2020, NLA I (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2395

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 6 - 40 (35) | Received: 23, Oct. 2018 | Accepted: 6, Jan. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

اداره بین‌المللی کار و نخستین قانون کار در ایران^۱

حسین احمدزاده نودیجه^۲ | قباد منصوربخت^۳

چکیده:

هدف: توضیح نقش دفتر بین‌المللی کار در تدوین قوانین کار در ایران در اواخر دوره قاجار و عصر پهلوی اول.

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از اسناد وزارت امور خارجه و سازمان اسناد ملی ایران (ساکما) گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در آغاز، دولت علاقه چندانی به تدوین و وضع قوانین کار نداشت. عقب‌ماندگی اقتصادی کشور و نبود طبقه کارگر صنعتی و ناسازگاری رضاشاه با احزاب چپ حامی حقوق طبقه کارگر، در تردید او برای وضع قانون کار موثر بود. او موضوع را داخلی می‌پنداشت و گمان می‌کرد می‌تواند به تصمیمات مجامع بین‌المللی بی‌توجه بماند؛ اما سرانجام زیر فشار عامل بیرونی که دفتر بین‌المللی کار بود به وضع نخستین قوانین کارگری ایران تن داد.

کلیدواژه‌ها:

اداره بین‌المللی کار؛ نخستین قانون کار؛ ایران؛ رضا شاه پهلوی.

استناد:

احمدزاده نودیجه، حسین؛ منصوربخت، قباد. (۱۳۹۸). اداره بین‌المللی کار و نخستین قانون کار در ایران. گنجینه اسناد، ۲۹(۴)، ۴۰-۶.

۱. این مقاله از رساله دکتری حسین احمدزاده نودیجه با عنوان: «تاریخ ظهور و تحول مفهوم جدید کارگر در ایران معاصر: ۱۲۸۵-۱۳۳۲ ش» استخراج شده است.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

H_ahmadzadeh@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

G_mansourbakt@sbu.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰.۳۳۹۵

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

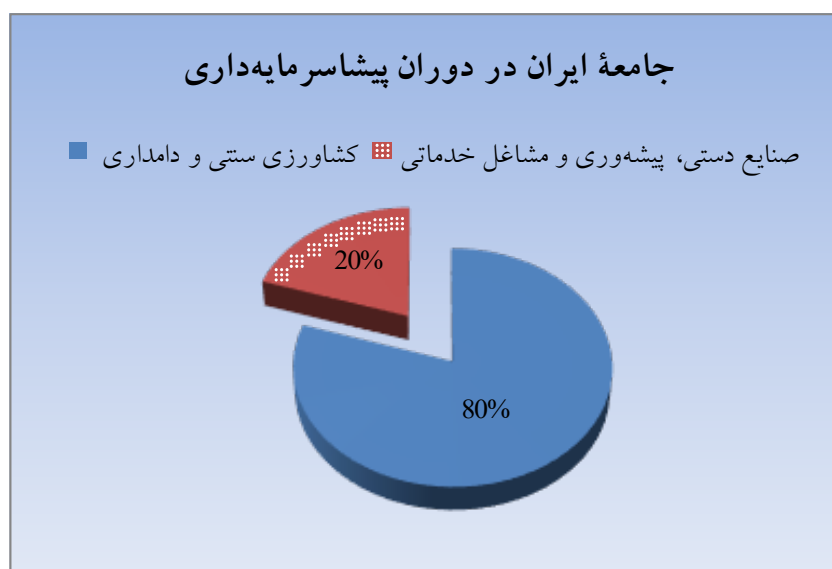
سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۶-۴۰ (۳۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

جامعه ایران در دوره پیشاسرمایه‌داری عمدتاً روستایی-ایلیاتی بود. روابط کار از نوع ارباب-رعیتی بود و بیش از ۸۰٪ از نیروی کار فعال، در بخش کشاورزی سنتی و دامداری اشتغال داشتند (عبدالله‌یف، ۱۳۶۰، ص ۲۳۷؛ باریر، ۱۳۶۳، ص ۶؛ فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۳؛ آوری، ۱۳۸۸، صص ۳۶۸ و ۳۶۹). بقیه مردم نیز به دلیل فقدان صنعت و کارخانه‌جات «به معنای اروپایی کلمه» (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۲۲؛ روزنامه مردان روز، ش ۱، (۱۳۰۳ش)، ص ۴) در سایر بخش‌ها نظیر صنایع دستی کوچک و کارگاه‌ها، و کارهای پیشه‌وری و خدمات به فعالیت مشغول بودند (جمال‌زاده، ۱۳۸۴، صص ۷۷-۸۱؛ کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲). به همین علت، در این دوره کارگر صنعتی به معنای مدرن کلمه در ایران وجود نداشت (بهار، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱۹؛ استادوخ، ۱۳۳۹/۶۳/۶/۱۷؛ روزنامه کار، ش ۵۱ (۱۳۰۲ش)، ص ۴).



مؤدار ۱

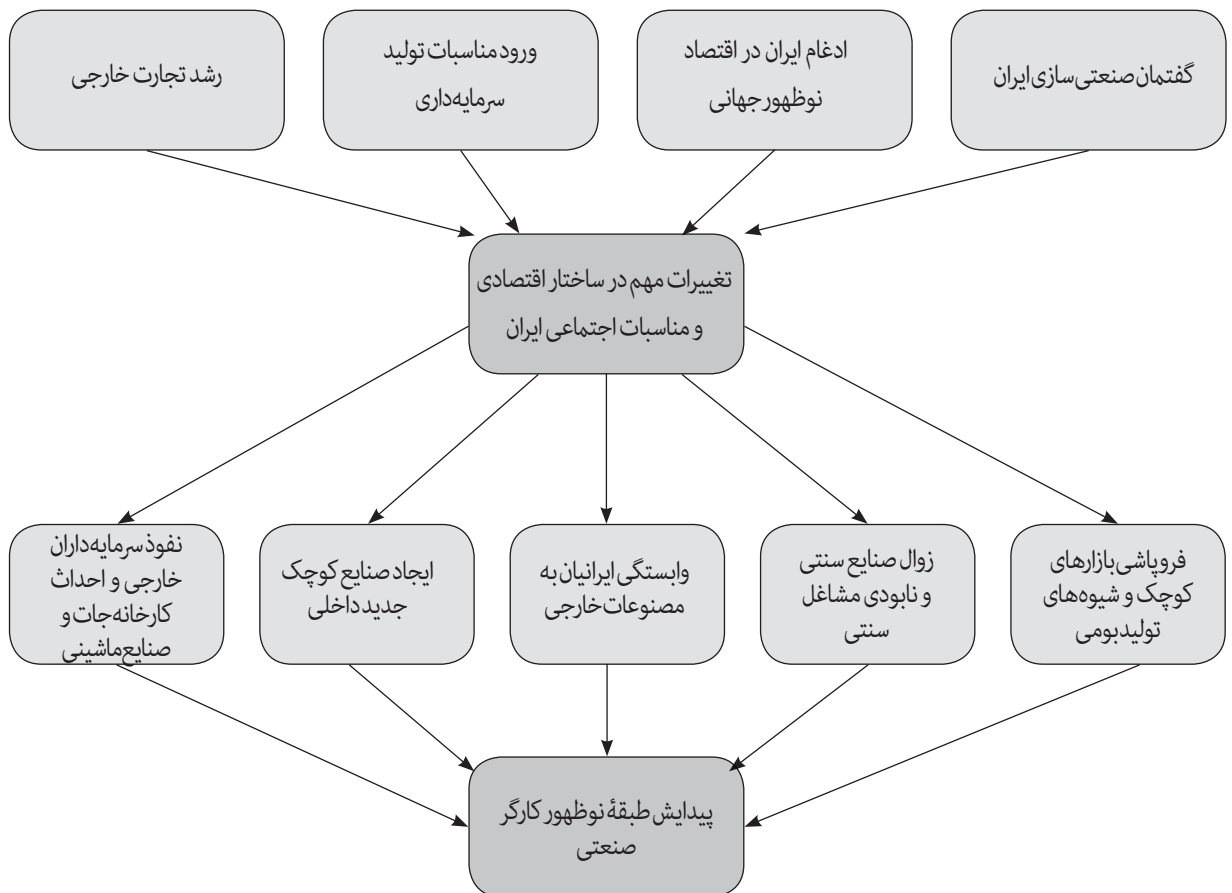
اقتصاد معیشتی ایران در دوره پیشاسرمایه‌داری (ترسیم شده براساس آمار و اطلاعات عرضه شده در: عبدالله‌یف، ۱۳۶۰، ص ۲۳۷؛ باریر، ۱۳۶۳، ص ۶؛ فلور، ۱۳۷۱، ص ۱۳؛ آوری، ۱۳۸۸، صص ۳۶۸ و ۳۶۹).

به تدریج، با ظهور گفتمان صنعتی‌سازی ایران در پی شکست کشور در جنگ‌های ایران و روس (فلور، ۱۳۷۱، صص ۳۰ و ۳۱؛ صادقی، ۱۳۸۷، صص ۲۳-۳۸)، ادغام ایران در اقتصاد نوظهور جهانی و ورود مناسبات تولید سرمایه‌داری در دهه‌های نخستین قرن ۱۴ق/ دهه‌های پایانی قرن ۱۹م، تغییرات مهمی در ساختار اقتصادی و مناسبات اجتماعی کشور پدید آمد. ادغام ایران در بازار جهانی و رشد تجارت خارجی به نوبه خود به فروپاشی بازارهای کوچک و شیوه‌های تولید بومی، زوال صنایع سنتی و از بین رفتن برخی از مشاغل سنتی، وابستگی ایرانیان به استفاده از



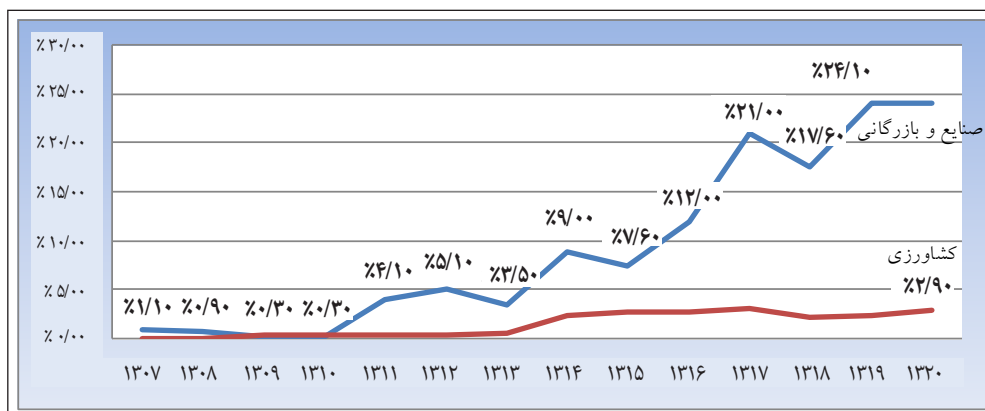
مصنوعات خارجی و ایجاد صنایع کوچک جدید داخلی و خارجی منجر شد (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۹۷؛ آوری، ۱۳۸۸، صص ۴۵۲ و ۴۵۳؛ منصوربخت، ۱۳۸۸، تابستان، صص ۱۲۴-۱۴۷).

وضعیت اقتصادی جدید به زیان صنایع خانگی، مشاغل پیشه‌وری و اقشار مختلف جامعه ایرانی منتهی شد؛ چراکه محصولات دستی و سنتی آن‌ها با انبوه اجناس ارزان‌قیمت وارداتی از اروپا قادر به رقابت نبود. ازسوی دیگر، نفوذ سرمایه‌داران خارجی به ایران و احداث کارخانه‌جات و صنایع ماشینی سبب ظهور گروه‌ها و طبقات اجتماعی جدیدی شد؛ از جمله: «طبقه نوظهور کارگر صنعتی» (اشرف، ۱۳۵۹، صص ۸۹-۹۲؛ فوران، ۱۳۷۷، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ شاکری، ۱۳۸۴، ص ۲۸۴؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۶۷؛ آفاری، ۱۳۸۵، صص ۶۳-۷۲ و ۷۳؛ اشرف، ۱۳۹۳، ص ۶۳).



با تأسیس سلسله پهلوی در ۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵ م و اجراشدن سیاست‌هایش مبنی بر مدرن‌سازی، سکولاریزه‌کردن جامعه و صنعتی‌کردن کشور، تغییرات مذکور شتاب گرفت. پس از تمهید مقدمات لازم برای نوسازی اقتصادی یعنی سرکوب کانون‌های قدرت محلی و گریز از مرکز و تثبیت امنیت در کشور و اصلاح نهادهای مختلف اداری و آموزشی، نوسازی اقتصادی ایران با محوریت ایجاد صنایع جدید آغاز شد. برخلاف نوسازی اداری و آموزشی که صرفاً اموری داخلی به‌شمار می‌آمدند، نوسازی صنعتی تنها جنبه داخلی نداشت و موجب ادغام روزافزون ایران در اقتصاد جهانی و گسترش طبقه کارگر در ایران شد.

با مقایسه اعتبار اختصاص داده‌شده به دو وزارتخانه صنایع و کشاورزی باهم به‌وضوح می‌توان گرایش دولت پهلوی اول را به صنعتی‌شدن مشاهده کرد. درحالی‌که اعتبار وزارتخانه صنایع و بازرگانی در طول ۱۶ سال تقریباً به مرز ۲۵٪ رسید، اعتبار اختصاص داده‌شده به وزارت کشاورزی (فلاحت) در طول این سال‌ها چندان تغییری نکرد (نمودار شماره ۲). رشد اعتبار وزارت صنایع حاکی از توسعه صنایع ماشینی و کارخانه‌جات و به‌تبع آن رشد طبقه کارگر در ایران بود. درحالی‌که تا پیش از سال ۱۳۰۴ کمتر از بیست کارخانه جدید در ایران وجود داشت، در دوره رضاشاه، تعداد کارخانه‌های مدرن صنعتی، بدون احتساب شرکت نفت، به بیش از هفده برابر رسید (آبراهامیان، ۱۳۸۹، صص ۱۸۲ و ۱۸۳).



نمودار ۲

مقایسه تطبیقی سهم درصدی اعتبار وزارتخانه‌های صنایع و کشاورزی در بودجه عمومی دولت (ترسیم‌شده براساس آماروراق‌عام عرضه‌شده در: کاتوزیان، ۱۳۹۲، صص ۱۵۹ و ۱۷۷).

رضاشاه و مشاورانش در ابتدا، ایجاد صنایع جدید را صرفاً اقدامی در جهت استفاده از ماشین‌آلات و ابزار پیشرفته تصور می‌کردند و نوسازی صنعتی و مسائل مربوط به کارگران

۱. برای اطلاعات تفصیلی‌تر درباره رشد صنایع، کارخانه‌جات و تعداد کارگران نگاه کنید به: فلور، ۱۳۷۱، صص ۳۷ و ۳۸ و ۴۱-۴۸؛ فوران، ۱۳۷۷، صص ۳۵۱-۳۵۲.



را موضوعی داخلی می‌پنداشتند؛ ولی با رشد تمایلات کمونیستی و جنبش‌های کارگری به تدریج احساس خطر کردند. در پی تصویب ماده‌واحدی با عنوان «قانون مجازات مُقَدِّمین^۱ بر علیه امنیت و استقلال مملکت» در سال ۱۳۱۰ ش/۱۹۳۱ م از سوی مجلس، رضاشاه توانست این احزاب را سرکوب کند و حامیان آن‌ها را تحت پیگرد قرار دهد و جنبش‌های کارگری را در نطفه خفه کند (فوران، ۱۳۷۷، صص ۳۷۶-۳۷۸؛ آبراهامیان، ۱۳۸۹، صص ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۹۲ و ۱۹۳؛ بیات، ۱۳۹۰، صص ۱۹۱ و ۱۹۲). این اقدامات سبب شد تا رضاشاه و کارگزارانش مسئله کارگران کارگاه‌های قدیم، به‌ویژه قالی‌بافی به‌عنوان تنها صنعت فعال کشور و کارگران صنایع جدید را موضوعی پایان‌یافته تلقی کنند؛ ولی این تصور دیری نپایید، چراکه دولت پهلوی اول با مسئله‌ای جدید یعنی دخالت اداره بین‌المللی کار در امور مربوط به کارگران ایرانی مواجه شد. نهاد مذکور دولت ایران را موظف ساخت تا در راستای تأمین حقوق شغلی، مالی، بهداشتی و آتیه کارگران قوانین مناسبی وضع کند. دولت پهلوی اول با وجود شانه خالی کردن‌های مکرر، سرانجام ناچار شد به خواسته این نهاد بین‌المللی تن دهد.

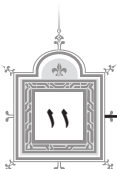
پرسش مقاله حاضر عبارت است از اینکه چه عواملی موجب شد تا رضاشاه با وجود بی‌توجهی به قوانین کارگری، در نهایت نخستین قانون کارگری ایران را در ۱۳۱۵/۵/۱ به تصویب مجلس شورای ملی برساند؟

۲. تأسیس اداره بین‌المللی کار و عضویت ایران

پس از خاتمه جنگ جهانی اول برای نخستین بار در کنفرانس بین‌المللی اتحادیه کارگران در شهر برن (۱۹۱۹ م) موضوع همکاری میان دولت‌ها با کارگران و کارفرمایان مطرح شد و در ۲۵ ژانویه ۱۹۱۹ م جلسه‌ای برای بررسی و تدوین قانون بین‌المللی کار تشکیل شد. در سپتامبر همین سال، اداره بین‌المللی کار اولین جلسات خود را پیش از تأسیس جامعه ملل تشکیل داد. این شتاب‌زدگی صرفاً به‌علت تأثیرات شدید و مستقیم جنگ جهانی اول بر وضعیت اجتماعی طبقه کارگر در اروپا بود. پس از امضای عهدنامه ورسای در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ م - که یکی از پیامدهای عمده آن تأسیس جامعه ملل بود - اداره بین‌المللی کار برای حفظ و تأمین منافع کارگران، اتحاد جهانی میان آن‌ها و تضمین اجرایی حقوق کارگران در کشورهای مختلف، موجودیت خود را به‌عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی ذیل جامعه ملل اعلام کرد (استادوخ، ۲۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۳۳-۲۲/۸/۱۳۱۶ ش).

براساس بند سیزدهم عهدنامه ورسای با عنوان «لزوم تأسیس تشکیلات بین‌المللی مشاغل»، هدف عمده از تأسیس جامعه ملل «تأمین و استقرار صلح عمومی» ذکر شده بود؛

۱. اقدام‌کنندگان



ولی از نظر بنیان‌گذاران این سازمان «طرز فعلی استفاده از کارگران» و ظلم و اجحافات می‌شود، که در حق آن‌ها می‌شود، منافی هدف جامعه ملل است و تحقق عدالت عمومی و صلح، بدون رسیدگی به وضعیت کارگران ناراضی، میسر نخواهد شد (استادوخ، ۲۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش)؛ بنابراین، اداره بین‌المللی کار طبق مفاد ۳۸۹ تا ۴۰۸ از بند سیزدهم عهدنامه ورسای، با تأسیس دو شعبه در ژنو و واشنگتن، به‌عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی جامعه ملل، موظف شد تا به امور مربوط به کار و کارگری در جهان رسیدگی کند (استادوخ، ۲۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۲۹-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳۰-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳۱-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). از جمله وظایف اداره بین‌المللی کار - که عهدنامه ورسای ضامن حفظ و تحقق آن بود- وضع قانون در زمینه تعیین ساعت کار و حداقل دستمزد، تعطیلات هفتگی، مبارزه با بیکاری، شیوه انتخاب کارگر، تأمین بیمه اجتماعی کارگران، حمایت از کودکان و زنان کارگر، فراهم کردن وسایل آموزشی و تعلیمی و حمایت از کارگران خارجی و... می‌توان اشاره کرد (استادوخ، ۲۹-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۱ و ۲-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲ و ۳-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۴ و ۵-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۶ و ۷-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۸ و ۹-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۰ و ۱۱-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۲-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۳-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۴-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۵-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۶-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۷-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۸-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۱۹-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۰-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۱-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۲-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۳-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۴-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۵-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۶-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۷-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۸-۱۳/۸/۴۶۱۰ش؛ ۲۹-۱۳/۸/۴۶۱۰ش). این اداره هم‌چنین موظف بود تا هر ساله کنفرانسی با حضور چهار نماینده از هر کدام از کشورهای عضو شامل دو نماینده از طرف دولت، نماینده کارفرما و نماینده کارگران تشکیل دهد و در هر جلسه درباره موارد مذکور مذاکره و قراردادهایی در این باره تصویب کند (استادوخ، ۳۰-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳۳-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

پذیرش عهدنامه ورسای از سوی ۳۲ کشور فی‌نفسه به‌منزله عضویت این کشورها در جامعه ملل و به‌تبع آن عضویت در اداره بین‌المللی کار محسوب می‌شد و همین موضوع اعضای مذکور را به رعایت تعهداتی در قبال این اداره ملزم می‌کرد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۶۲ق؛ ۲۹-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). از جمله این وظایف به وضع قوانین و مقررات مربوط به کارگران و فراهم کردن تسهیلاتی برای آن‌ها (طبق بند اول ماده ۲۳ اساس‌نامه جامعه ملل) براساس شرایط داخلی کشور عضو، باید اشاره کرد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۶۳ق؛ ۲۸/۲۲/۶۶/۱۳۳۹ق؛ ۳۰-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳۳-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). طبق این بند، دولت‌ها



باید «سعی نمایند برای کار مردان و زنان و اطفال وضعیت منصفانه و عادلانه‌ای در مملکت خود و ممالکی که روابط تجارتي و صنعتی با آنها دارند ایجاد و صیانت نمایند و برای نیل به این مقصود، مؤسسات بین‌المللی لازمه را تأسیس و نگاهداری نمایند» (استادوخ، ۳۳-۱۳۱۶/۸/۱/۲ ش).

در کل اعضای جامعه ملل به سه دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول: اعضای اصلی این سازمان را تشکیل می‌دادند و شامل سی و دو کشوری بودند که در جنگ جهانی اول شرکت کرده و عهدنامه ورسای را نیز امضا کرده بودند. دسته دوم: متشکل از سیزده کشور از جمله ایران بود که اعضای اصلی جامعه ملل در هنگام امضای عهدنامه ورسای از آنها برای عضویت در جامعه ملل دعوت کرده بودند. دعوت مزبور از طرف دولت ایران پذیرفته شد و در ۹ دی ۱۳۰۰ ش ذیل ماده واحده‌ای در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. بدین ترتیب، ایران به عضویت جامعه ملل و به تبع آن اداره بین‌المللی کار درآمد (استادوخ، ۳۳-۱۳۱۶/۸/۱/۲ ش). دسته سوم: کشورهایی بودند که خود درخواست عضویت می‌دادند و در صورت موافقت دوسوم اعضای جامعه ملل، با عضویت آنها موافقت می‌شد (استادوخ، ۳۰-۱۳۱۰/۸/۱۳ ش؛ ۳۳-۱۳۱۶/۸/۱/۲ ش؛ بهار، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۴).

۳. روابط میان ایران و اداره بین‌المللی کار پیش از دوره رضاشاه

اداره بین‌المللی کار برای برنامه‌ریزی مدون و همه‌جانبه به گردآوری اطلاعاتی جامع در زمینه کار و کارگری نیاز داشت؛ ولی از آنجاکه در ابتدای کار اطلاعات چندان دقیقی از شرایط زندگی کارگران و قوانین موضوعه مرتبط با آنها وجود نداشت (استادوخ، ۲۸-۱۳۱۰/۸/۱۳ ش)، این اداره پرسش‌نامه‌هایی را تهیه و برای دول عضو از جمله ایران ارسال کرد و تأکید کرد که برای پیشرفت هرچه سریع‌تر کار فوراً به سؤالات مزبور پاسخ دهند (استادوخ، ۱۳۳۷/۳/۱۵/۶ ق). در پرسش‌نامه مذکور که از طریق سفارت انگلیس در تهران به مقامات ایرانی تسلیم شد، سؤالاتی درباره ساعت کار، تربیت کارگران، شیفت شب و تعطیلی کارگران مطرح شده بود (استادوخ، ۱۳۳۷/۳/۱۵/۷ ق).

در آغاز، دولت ایران از پاسخ به سؤالات فوق اولاً به دلیل جدی‌نگرفتن اداره بین‌المللی کار و ثانیاً فقدان اطلاعات لازم در باب مسائل مربوط به کارگران در کشور، طفره می‌رفت (استادوخ، ۱۳۳۷/۳/۱۵/۴۹ ق؛ ۱۳۳۷/۳/۱۵/۵۱ ق). پس از ملزم شدن ایران به انجام تعهدات خود در برابر اداره بین‌المللی کار - به دلیل عضویت ایران در جامعه ملل - دولت وقت در پاسخ به سؤالات مذکور بیان داشت که تاکنون رسماً هیچ قانونی از سوی دولت درباره مسائل مرتبط با کارگران، اعم از صنعتی و فلاحتی، وضع نشده است



نظامات در کارخانه‌جات و غیره قبول نماید» و نظر خود را در باب اصول فوق‌الذکر بیان کند و به تهیه اطلاعات لازم و ارائه اقدامات صورت‌گرفته درباره بهبود وضعیت کارگران در کنفرانس آتی بپردازد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۷ ق). کمیسیون در خاتمه گزارش خود نیز خواهان کسب اطلاع از وضعیت اطفال کارگر در کارخانه‌جات نساجی کرمان شد و از دولت ایران خواست تا هرچه سریع‌تر اقداماتی را که در این راستا انجام داده‌است به اطلاع اداره بین‌المللی کار برساند (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۳ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۴ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۵ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۶ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۷ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۲۷، ۱ ق).

دولت ایران به درخواست اداره بین‌المللی کار مبنی بر دادن گزارشی برای جلسه سوم کنفرانس در ۲۷ اوت ۱۹۲۰م/۵ شهریور ۱۲۹۹ش درباره اقدامات انجام‌شده از جانب این کشور در راستای بهبود وضعیت کارگران، وقعی ننهاد؛ بنابراین، نماینده ایران به اولیای وقت خاطر نشان کرد: به دلیل فشارهای سایر دول عضو دولت نمی‌تواند برای مدت مدیدی از انجام تعهدات خود استنکاف ورزد و از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند؛ به‌ویژه آنکه امروزه بسیاری از کشورهای مترقی دارای تشکیلات پیشرفته‌ای تحت عنوان اداره یا وزارتخانه کار هستند و قوانینی را در راستای بهبود وضعیت کارگران و رفاه حال آنها در کشور خود وضع کرده‌اند و بیان داشت: «تصور نمی‌رود که دولت علیّه بالاخره بتواند خود را از تعقیب این امر معاف بدارد؛ ولی عدم اقدام در این مسئله [هم] ممکن است که نتیجه منفی حاصل نماید» (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۶۳ ق).

در آغاز ظاهراً دولت ایران، بنابه پیشنهادهای نماینده خود در ژنو، در صدد برآمد تا از طریق دادن وعده‌های پوچ به سازمان کار مبنی بر اتخاذ تصمیماتی در راستای بهبود وضعیت کارگران، تشکیل شورای مشاغل مرکب از ۱۵ نفر افراد خبره و بصیر با هدف تدوین نظامنامه کاری و مطالعه درباره قراردادهای بین‌المللی کار، و اختصاص بودجه صوری و حداقلی برای تأسیس اداره کار، مسئله را حل و فصل کند (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۶۴ ق)؛ ولی از آنجاکه نمایندگان ایران در کنفرانس واشنگتن متعهد شده بودند «که دولت علیّه بلا تأخیر در صدد اصلاح حال کارگران خود برآمده و طوری خواهد نمود که در ظرف ده سال مؤسسه کارگران ایرانی را تابع مقررات و نظامات بین‌المللی قرار دهد» (استادوخ، ۱۳۳۹/۶۶/۲۲/۲۸ ق)، هیئت رئیسه این اداره به‌طور مکرر خواهان کسب اطلاع از اقدامات صورت‌گرفته از جانب ایران و عرضه آن در کنفرانس ژنو بود (استادوخ، ۱۳۳۹/۶۶/۲۲/۲۸ ق).

از آنجاکه در ایران اداره‌ای وجود نداشت تا به امور مربوط به کار و کاری رسیدگی کند و در صورت لزوم اطلاعات لازم را در اختیار نمایندگان ایران برای عرضه در اداره

بین‌المللی کار بگذارد، وزارت امور خارجه از دولت خواست ضمن اختصاص بودجه، شعبه‌ای مخصوص برای رسیدگی به مسائل جامعه ملل و سازمان‌های وابسته به آن تأسیس کند؛ چراکه ندادن گزارش ازسوی ایران در کنفرانس‌های آتی سبب خواهد شد «در انظار عموم نمایندگان دول، عدم لیاقت دولت ایران در مشارکت با تأسیسات بین‌المللی مبرهن گردیده و البته نتیجه خوبی نخواهد داشت»؛ بنابراین، در کمیسیونی با حضور فروغی، نمایندگان وزارت فلاح و تجارت و وزارت امور خارجه تصمیم گرفته شد که باتوجه به اوضاع داخلی ایران شعبه‌ای در وزارت امور خارجه تأسیس شود تا پاسخگویی اداره بین‌المللی کار باشد و در موقع نیاز اطلاعات را در اختیار آن‌ها بگذارد (استادوخ، ۱۳۳۹/۶۶/۲۲/۲۸ ق؛ ۱۳۳۹/۶۶/۲۲/۲۹ ق).

موضوع ایران بار دیگر در هفتمین جلسه هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار در اکتبر ۱۹۲۰ مطرح شد. مسئله زمانی جدی شد که این سازمان گزارش‌هایی درباره وضعیت اسفناک و بسیار بد کارگران کارگاه‌های قالی‌بافی دریافت کرد؛ کارگاه‌هایی که بیشتر کارگران آن را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند. در پی این جلسه آلبرت توماس رئیس اداره بین‌المللی کار به دولت ایران به علت اجیرکردن کودکان، وضعیت نامناسب محیط کار و مشکلات جسمانی کارگران هشدار داد و از ایران خواست به تعهداتش درقبال اداره بین‌المللی کار (طبق ماده ۲۳ قانون کار) وفادار باشد و تمام تلاش خویش را در جهت بهبود وضعیت کارگران به کار بندد. آلبرت توماس پس از مشورت با کنسول انگلیس در کرمان پیشنهادهایی را در زمینه سن به کارگماشتن اطفال، وضعیت محیط کار و ساعت کار کارگران، برای دولت ایران مطرح کرد (ططری، ۱۳۸۳، پاییز، صص ۹۵ و ۹۶).

بی‌توجهی ایران به ساعت کار و وضعیت بهداشتی کارگران و کارگاه‌های قالی‌بافی سبب شد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۳ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۴ ق؛ ساکما، ۲۹۳/۶۴۴۶) که مجدداً ازسوی هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار به دولت ایران اخطار داده شود. آلبرت توماس ضمن ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران ضمن کسب اطلاع از وضعیت کارگران کارگاه‌های قالی‌بافی - که بی‌پاسخ مانده بود- از دولت ایران تقاضا کرد تا «اطلاعات و پیشنهادات راجع به جهات کار در کارخانه‌ها و قوانین لازمه در اجرای سفارشات واشنگتن» را ارسال کند. هیئت‌مدیره هم‌چنین یادآور شد که طبق ماده ۲۳ قرارداد جامعه ملل و کنفرانس ۲۹ نوامبر ۱۹۱۹ م در واشنگتن دولت ایران متعهد شده است تا «وضعیات حسنه کار مردان و زنان و اطفال را تأمین نماید» و رعایت نکردن وعده‌ها و تعهدات داده شده ازسوی ایران در این باب را «مخالف اصول انسانیت» دانست (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۳ ق؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۴ ق). سرانجام هیئت‌مدیره با عنایت به اینکه «مؤسسات صنعتی در ایران

هنوز چنانکه باید و شاید به درجات تکامل نرسیده اند]» و به همین جهت ممکن است برخی مشکلات جزئی در راستای برقراری کامل ماده ۲۳ مجمع وجود داشته باشد، از مقامات ایران خواست «در مجاهدت [ی] که سایر اعضای اداره بین‌المللی مشاغل برای وضع و ایجاد قوانین موافق با مراتب عدل و نَصَفْتْ^۱ به عمل می‌آورند شرکت نمایند» و در جلسه آتی اقدامات انجام‌شده در این باره را به سمع و نظر هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار برسانند (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۰؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۱؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۳؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۴، ۱؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۵؛ ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۵، ۱). در نهایت نیز اعضای هیئت‌مدیره یادآور شدند: چنانچه اقدامی از سوی ایران مبنی بر انجام تعهداتش به‌عنوان یکی از اعضای اداره بین‌المللی کار انجام نشود، «به نام نیک ایران به‌عنوان یک دولت منورالفکر» خدشه وارد خواهد آمد (استادوخ، ۱۳۳۹/۵۹/۵/۷۵).

بی‌پاسخ ماندن پیشنهادهای هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار از سوی ایران طبق معمول، سبب شد توماس طی مکاتبه‌ای با پرنس ارفع وزیرمختار ایران در ژنو (۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱م) شکایت خود را مبنی بر بی‌پاسخ ماندن نامه ارسالی اش به ایران به او اعلام کند. پرنس ارفع نیز در پاسخ، دلیل بی‌جواب ماندن نامه توماس را مشکلات مراوده میان ایران و اروپا اعلام کرد که بعضاً به گم‌شدن اصل نامه منجر می‌شود و در ضمن از اقدامات کابینه جدید^۲ در ایران یاد کرد که در برنامه خود موضوع اصلاح زندگی کارگران و زارعین را مدنظر قرار داده است (ططری، ۱۳۸۳، پاییز، ص ۹۶). گزارش پرنس ارفع مبنی بر دلخوری‌های آلبرت توماس و هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار، به مقامات کشور متبوعه خود سبب شد در نهایت زمامداران ایران بار دیگر تحت فشار اداره بین‌المللی کار به تدوین نظامنامه‌ای برای کارخانه‌های قالی‌بافی و بهبود وضعیت کارگران اقدام کنند.

این نظامنامه که از آن به‌عنوان اولین نظامنامه امور مربوط به کار و کارگری در سطح محدود و صرفاً مرتبط به امور کارگران شاغل در کارخانه‌های قالی‌بافی باید یاد کرد، متشکل از پنج فصل و ۲۹ ماده بود که در هر یک از فصول مربوطه به یکی از مسائل مرتبط به کار نظیر شرایط محیط کار، وضعیت بهداشت، سن و جنسیت کارگران شاغل، ساعت کار و میزان دستمزد، و نحوه اجرای این نظامنامه اشاره شده بود. در فصل اول آمده بود که کارخانه‌های قالی‌بافی باید به تصحیح و بهبود شرایط فیزیکی محیط کار بپردازند. برای نمونه به مساحت و فضای درونی کارگاه، داشتن تهویه، پنجره، و نبودن رطوبت در محیط کار اشاره شده بود. در فصل دوم این نظامنامه به اصول بهداشتی حاکم بر کارگاه و رعایت آن از جانب کارفرما و کارگر پرداخته شده است؛ مثلاً محل نشستن و استراحت کارگران متناسب باشد و اصول گرمایشی و سرمایشی و داشتن نور کافی در آن لحاظ شود.

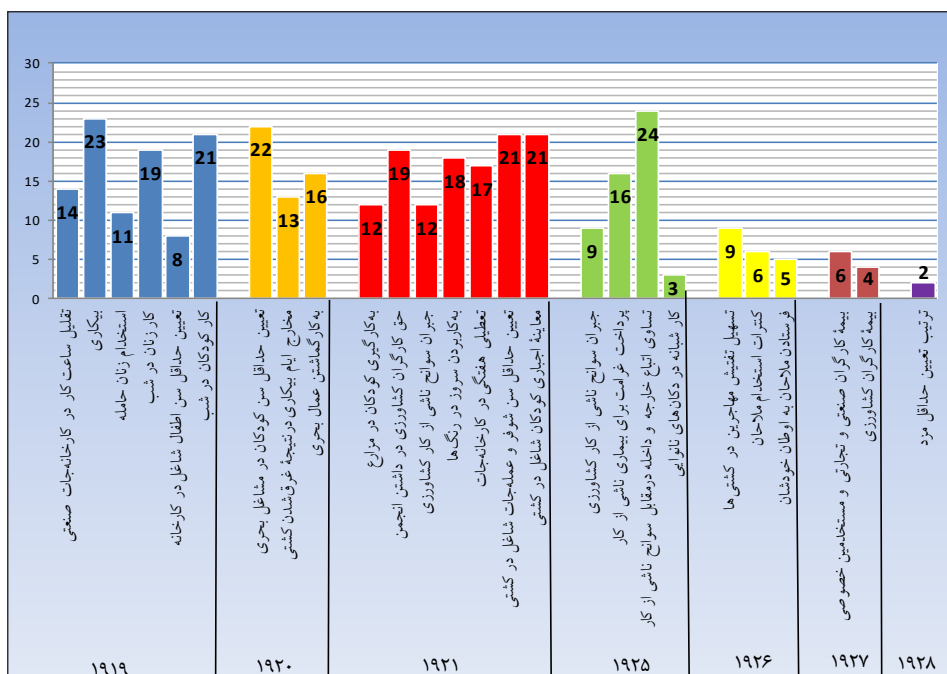
۱. انصاف؛ عدل و داد.
۲. در این زمان قوام‌السلطنه به‌جای سیدضیاء کابینه جدید را تشکیل داده بود.

آب آشامیدنی کارگران پاک و تمیز باشد و محیط کارخانه از هرگونه بید، ساس، موریانه و سایر حشرات موزی عاری شود و صاحب کارخانه باید به هر نحوی از انجا به دفع آن‌ها بپردازد و از ورود آن‌ها به کارگاه جلوگیری کند. همه‌روزه در پایان ساعت کاری نیز کارخانه باید آب و جارو شود و به مدت یک ساعت در و پنجره‌ها برای تهویه هوای داخل کارگاه باز گذارده شود. کارگاه باید حداقل هفته‌ای یک بار ضدعفونی شود. قالی‌بافان نیز باید قبل از شروع به کار و ماهی یک بار پس از شروع به کار گواهی تأیید سلامت دریافت کنند تا مبادا به بیماری مسری دچار شوند. فصل سوم به تعیین حداقل سن اطفال اعم از دختر و پسر و جنسیت شاغلان پرداخته است و در فصل چهارم نیز به مدت کار، میزان استراحت کارگران و دستمزد آن‌ها اشاره شده است. برای کارگران ۸ ساعت کار در روز و ۴۸ ساعت در هفته در نظر گرفته شده بود و چنانچه اضافه‌کار مورد توافق کارگر و کارفرما بود، ساعت کار نباید از ده ساعت در روز و شصت ساعت در هفته بیشتر می‌شد. افزون بر این، به ازای هر ساعت اضافه‌کار باید ۵۰٪ به حقوق کارگران افزوده می‌شد. مزد کارگر نیز باید به صورت نقدی پرداخت می‌شد، مگر اینکه کارگر خودش از پرداخت دستمزد به صورت جنسی رضایت داشته باشد. در این فصل برای اولین بار در نظامنامه (مجموعه قوانین مصوب) مرتبط با امور کارگری، در صورت جراحی یا مرگ ناشی از کار پرداخت بیمه حداقلی برای کارگر و بستگانش در نظر گرفته شده بود. در فصل پنجم و آخر این نظامنامه هم به شرایط عملی کردن مفاد این قانون و ضمانت اجرایی آن اشاره شده بود (استادوخ، ۲۱-۱۶۲/۱/۱/۱۳۱۱ش؛ ۲۲-۱۶۲/۱/۱/۱۳۱۱ش؛ ۲۳-۱۶۲/۱/۱/۱۳۱۱ش؛ ۲۴-۱۶۲/۱/۱/۱۳۱۱ش).

از این نظامنامه نمی‌توان به‌عنوان یک قانون جامع کارگری نام برد، چراکه اولاً این نظامنامه فقط در مجلسی متشکل از اعضای دوایر دولتی و هیئت قالیباف‌ها تنظیم و تصویب شده بود و به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده بود و ثانیاً این نظامنامه در مرحله اجرا عمومیت نداشت و حتی شامل همه کارگران قالی‌باف هم نمی‌شد و سایر کارگران شاغل در بخش‌های مختلف را نیز در نظر نمی‌گرفت. با وجود این، اداره بین‌المللی کار موفق شده بود از طریق پیگیری‌های مکرر و اعمال فشار، دولت ایران را دست‌کم وادار کند تا قوانینی حداقلی را برای کارگران صنعت قالی‌بافی که بزرگ‌ترین صنعت داخلی پویا در ایران بود در نظر بگیرد و خود را در مقابل این طبقه در حال تکوین مسئول ببیند و به فکر برنامه‌ریزی برای آینده آن‌ها باشد.

۴. اعمال فشار اداره بین‌المللی کار بر دولت پهلوی اول

با وجود هشدارهای مکرر از سوی اداره بین‌المللی کار به ایران مبنی بر انجام تعهدات خود، طی این سال‌ها نماینده ایران همچنان از حضور در جلسات اداره بین‌المللی کار سر باز می‌زد و از دادن هرگونه تعهدی مبنی بر رعایت قراردادهای منعقدشده در این سازمان در زمینه امور کار و کارگری، اجتناب می‌ورزید. برای نمونه نگاهی به قراردادهای ۲۶ گانه اداره بین‌المللی کار در حداث ۱۹۱۹-۱۹۲۸ م حاکی از آن است که دولت ایران به هیچ‌وجه قصد نداشته است خود را به این قراردادها ملزم و متعهد کند؛ چراکه در هیچ‌کدام از این کنفرانس‌ها و رأی‌گیری‌های انجام‌شده نماینده دولت ایران شرکت نکرده است (استادوخ، ۳-۱۱/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۴-۱۱/۸/۱۳۱۰ ش). شاید هم فقدان تأسیسات صنعتی باعث می‌شد که ایران برای حضور در این جلسات ضرورتی احساس نکند. در نمودار شماره ۳ می‌توان میزان مشارکت نمایندگان دول عضو اداره بین‌المللی کار را در تصویب قراردادها و پذیرفته شدن آن‌ها از سوی دولت متبوعه‌شان مشاهده کرد:



تصویر ۳

میزان مشارکت دول عضو در
تصویب قراردادهای اداره بین‌المللی
کار به تفکیک سال و عنوان قرارداد
(استادوخ، ۳-۱۱/۸/۱۳۱۰ ش؛
۴-۱۱/۸/۱۳۱۰ ش).

بی‌توجهی‌های مکرر ایران در عصر پهلوی در انجام تعهداتش در برابر اداره بین‌المللی کار از قبیل عرضه نکردن پیشنهادهای این سازمان به مجلس شورای ملی برای تصویب شدن، اعزام نکردن دو نماینده کارفرما و کارگر به کنفرانس سالانه و ندادن گزارش سالیانه از



وضعیت کارگران و حقوق قانونی آنها مجدداً باعث اعتراض مدیر اداره بین‌المللی کار به نماینده ایران در این سازمان شد. او تألم خویش را از این موضوع ابراز داشت و از ایران در کنار کشورهای نظیر بولیوی، جمهوری دومی نیک، حبشستان^۱، گواتمالا، هندوراس، لیبریا، و پرو به‌عنوان کشورهای یاد کرد که بدون هیچ «دلیل و مانعی» در انجام تعهدات خود در قبال اداره بین‌المللی کار قصور می‌ورزند. مدیر سازمان ضمن مسامحه‌کار خواندن دول مذکور، اداره بین‌المللی کار را به دادن تذکر و پیگیری مجدد موظف دانست و معتقد بود که سرانجام دولت‌ها با توجه به تعهداتی که در قبال اداره بین‌المللی کار دارند به انجام وظایف مقرر تن خواهند داد (استادوخ، ۲-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۳-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۴-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

محمدعلی جمال‌زاده نماینده ایران در ژنو، طی چندین گزارش مراتب اعتراض مدیر اداره را به دولت متبوعه منتقل کرد. بنابه اظهارات نماینده ایران تا به حال ۳۱ قرارداد و ۳۸ توصیه‌نامه از سوی اداره پیشنهاد شده بود که اغلب آنها از سوی پارلمان اکثر دولت‌های عضو تصویب شده بود و اجرا هم شده بود؛ در حالی که در ایران حتی به مجلس شورای ملی هم تقدیم نشده بود. جمال‌زاده هم چنین یادآور شد که تاکنون ۱۴ دوره کنفرانس از سوی اداره بین‌المللی کار منعقد شده است؛ ولی ایران فقط برای چهار دوره نماینده فرستاده و در یک دوره هم فقط نماینده این کشور در برن به‌عنوان مستمع شرکت کرده است (استادوخ، ۵-۱۳/۸/۱۳۱۰ش؛ ۶-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). نماینده ایران در پایان گزارش خویش ضمن اشاره به ماده ۴۰۵ عهدنامه ورسای مجدداً به دولت متبوعه خود یادآور شد:

«هریک از اعضاء متعهدند که در ظرف یک سال پس از ختم دوره کنفرانس و در صورتی که به ملاحظه کیفیت استثنائی یک سال کافی نباشد، منتهی در ظرف یک سال و نیم- توصیه‌نامه و یا طرح قرارداد را تقدیم مقام یا مقامات صلاحیت‌دار بنمایند تا آنها را به‌عنوان قانون بپذیرد و یا آنکه هرگونه اقدامات مقتضیه دیگر به‌عمل آید» (استادوخ، ۲-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

درواقع، طبق ماده ۴۰۵ عهدنامه ورسای، دول عضو اداره بین‌المللی کار موظف بودند قراردادهایی را که در این سازمان به تصویب می‌رسید در اسرع وقت در اختیار مجلس شورای ملی کشورشان بگذارند تا در صورت توافق نمایندگان مجلس تصویب، و سپس اجرا شود (استادوخ، ۲-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

جمال‌زاده در گزارش دیگری پیاده‌کردن قراردادها و توصیه‌نامه‌های اداره بین‌المللی کار را که عمدتاً به مسائل بهداشتی و تعلیمات فنی و غیره مربوط بود به نفع و صلاح خود دولت و ملت دانست؛ چراکه اولاً توسط بهترین متخصصان علمی و فنی و باتوجه به شرایط

۱. دومینیکن
۲. حبشه



و ویژگی‌های داخلی یک کشور پیشنهاد و وضع می‌شدند و ثانیاً باعث حفظ حیثیت و اعتبار بین‌المللی دولت ایران در مقابل سایر دول عضو می‌شدند (استادوخ، ۳-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش). او ضمن اظهار تأسف از اینکه از ایران هم‌ردیف با «ممالک کوچک غیر مهم مجهول‌الحالی اسم برده شود» که به تعهدات بین‌المللی خویش پایبند نیستند، به اولیای دولت خاطر نشان ساخت: درحالی‌که پنجاه و پنج دولت مهم دیگر همگی در محقق ساختن قراردادهای اداره بین‌المللی کار از یکدیگر سبقت می‌جویند، برای دولت ایران نیز عمل به این وظایف و تعهدات کارچندان سخت و دشواری نیست و به مقامات ایرانی توصیه کرد تا برای پرهیز از هر پیشامدی بهتر است ایران هم هرچه سریع‌تر پیشنهادهای اداره بین‌المللی کار را در دستور کار خویش قرار دهد تا از سوی این اداره و سایر اعضا مورد اعتراض قرار نگیرد. او در انتهای گزارش خویش مجدداً وظایف دول عضو اداره بین‌المللی کار را یادآوری کرد (استادوخ، ۴-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ استادوخ، ۵-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۶-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۷-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۸-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش).

جمال‌زاده در تشریح تعهدات ایران در قبال اداره بین‌المللی کار خاطر نشان ساخت که تبدیل طرح‌ها و پیشنهادهای این سازمان برای دول مختلف به قانون، فارغ از اینکه دارای صنعت باشند یا خیر، کار پیچیده‌ای نیست (استادوخ، ۷-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش). اداره بین‌المللی کار نیز با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی، وضعیت اقتصادی و صنعتی کشورهای مختلف، دولت‌های عضو را به پذیرش بی‌چون و چرای این طرح‌ها و تصویب آن‌ها در بازه زمانی مشخصی ملزم نمی‌کند؛ ولی نمایندگان عضو اداره بین‌المللی کار را موظف می‌کند تا قراردادهای مذکور را بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی به «مقامات صلاحیت‌دار» کشور متبوعه تسلیم نمایند (استادوخ، ۷-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش) و دولت نیز باید این قراردادها را در اختیار مجلس شورای ملی قرار دهد تا این «توصیه‌نامه را اساس طرح‌های قانونی قرار دهند و قراردادها را بدون تصرف و اصلاحی به‌عنوان قانون مملکتی تصویب نمایند» و در صورتی که دولت «به‌علت عدم تناسب با موقعیت اجتماعی و صنعتی ایران تصویب آن‌ها را مقتضی نشمارد»، نظرات خود را به مجلس شورای ملی اعلام کند تا برای آن چاره‌ای بیندیشند (استادوخ، ۷-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش؛ ۸-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش). جمال‌زاده در خاتمه‌نامه نیز از دولت خواست که طی گزارشی اولاً به اداره بین‌المللی کار تذکر دهد که دلیل کوتاهی ایران از اعزام نمایندگان کارفرما و کارگر به این اداره و عملی نکردن پیشنهادهای آنان صرفاً به دلیل نبود تشکیلات صنعتی در ایران بوده‌است و به محض شکل‌گیری مؤسسات صنعتی به تعهدات خویش در قبال سازمان جامع عمل خواهد پوشاند (استادوخ، ۵-۱۳۰/۸/۱۳۱۰ ش)؛ ثانیاً اقدامات و تلاش‌های صورت‌گرفته از جانب ایران در راستای

همکاری با اداره بین‌المللی کار نظیر تأسیس نمایندگی دائمی و یا ایجاد دفتر مخصوص در یکی از وزارت‌خانه‌ها و... را به این اداره اعلام کند (استادوخ، ۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). او هم‌چنین یک بار دیگر قراردادهای مصوب اداره بین‌المللی کار را با عنایت به اینکه این اداره به شرایط خاص صنعتی و کشاورزی ایران و مسائل مربوط به کار و کارگر توجهی ویژه دارد، حتی اگر در حال حاضر زمینه اجرای برخی از این مصوبات مهیا نباشد، در بلندمدت به نفع خود ایران خواند. او معتقد بود در نهایت ایران نیز با توجه به این که پنجاه و چهار عضو دیگر اداره بین‌المللی کار این قراردادها را پذیرفته‌اند، مجبور خواهد شد برای تنظیم امور صنعتی و فلاحتی خویش این قراردادها را به کار بندد. از نظر او بهتر بود ایران از وضع قوانین جدید در این راستا بپرهیزد و مصوبات اداره بین‌المللی کار را ملاک و معیار قوانین مصوب خود قرار دهد؛ چراکه با این کار مانع اعتراض سایر دول عضو و هیئت‌مدیره اداره بین‌المللی کار می‌شود (استادوخ، ۸-۱۳/۸/۱۳۱۰ش). جمال‌زاده در نهایت نیز آمادگی خود را برای ترجمه سی و یک قرارداد و سی و هشت توصیه‌نامه تصویب‌شده در ادوار چهارده‌گانه اداره بین‌المللی کار اعلام کرد (استادوخ، ۹-۱۳/۸/۱۳۱۰ش).

دولت ایران در راستای تعهدات خویش به اداره بین‌المللی کار مبنی بر تأسیس اداره کار در تهران و پاسخگویی به مطالبات این اداره، از نماینده خود در ژنو خواست تا نسخه‌ای از قانون کار ترکیه و مصر را که در همین راستا تهیه و تنظیم شده و برای اداره بین‌المللی کار فرستاده شده بودند به وزارت امور خارجه ارسال کند تا مطالعه و بررسی شوند (استادوخ، ۱-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ش؛ ۲-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ش؛ ۵-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ش). در میان نسخه‌های ارسالی، قانون کار مصر از آنجاکه با وضعیت ایران به لحاظ اقتصادی و اجتماعی بیشتر شباهت داشت و با مشورت اعضای برجسته اداره بین‌المللی کار تنظیم شده بود مدنظر مقامات ایرانی قرار گرفت (استادوخ، ۵-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ش). براساس قانون کار ارسالی، اداره کار در کشور مصر به انجام وظایفی نظیر بررسی وضعیت بهداشتی و سلامت کارخانه‌جات، جلوگیری از اشتغال اطفال به کارهای خطرناک، قانون کار زنان، تهیه لوایح قانونی در زمینه صنعت و تلاش در راستای عملی ساختن آن، بهبود و برقراری روابط حسنه میان کارگر و کارفرما، بهبود وضعیت کارگران در زمینه تهیه مسکن و تعلیم و تربیت آن‌ها، تحقیق در باب علل بیکاری و مهیا کردن بسترهای لازم برای تأمین اشتغال، گردآوری آمار و انجام سرشماری‌های موردنیاز، تحقیق درباره ساعت کار، دستمزد و بیمه کارگران می‌پرداخت (استادوخ، ۲-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ش؛ ۴-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ش؛ ۵-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ش؛ ۶-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ش).

در ایران اگر از مقررات خصوصی و تلاش‌های محدودی که از سوی برخی از



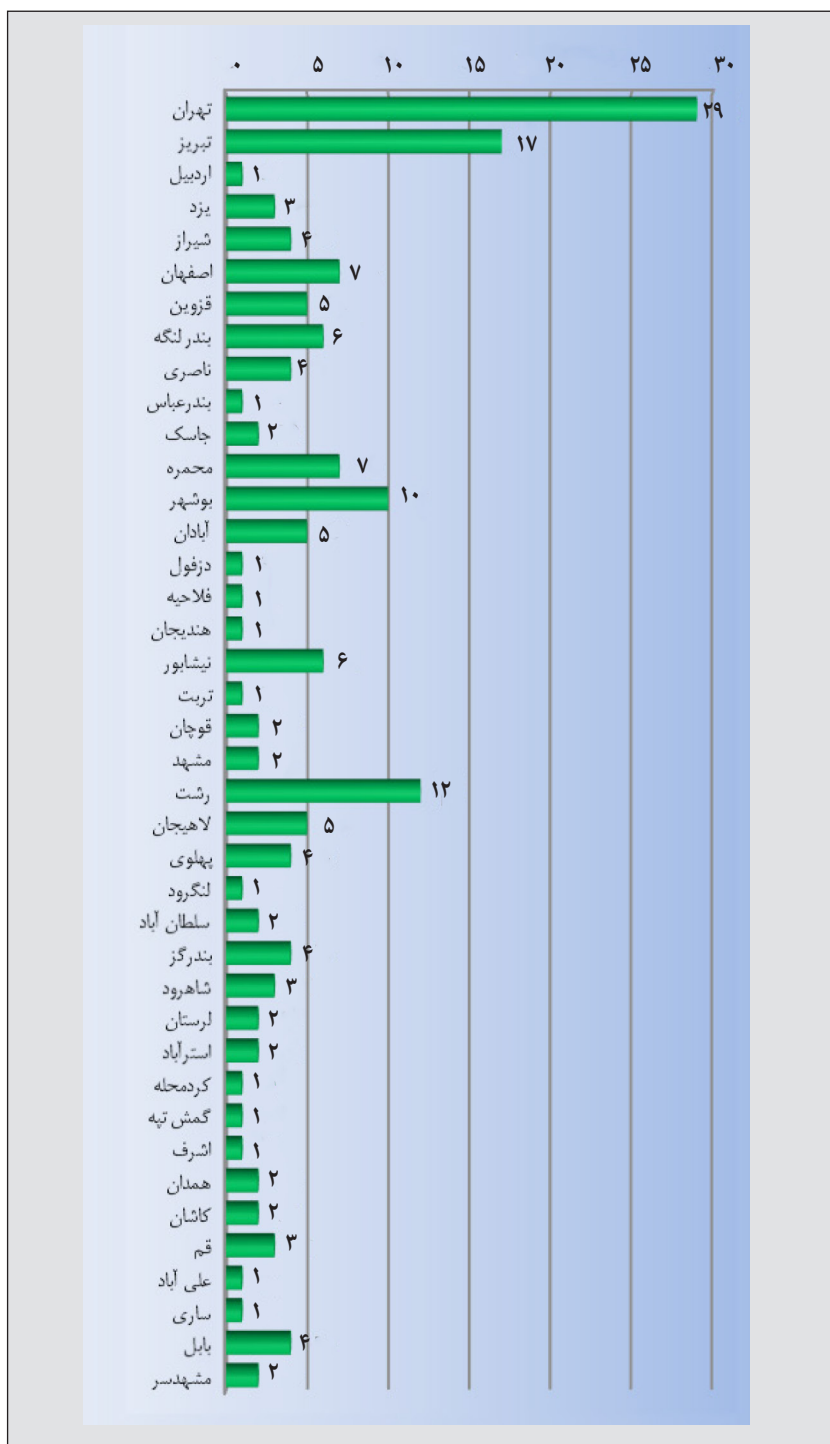
مؤسسات، کارگاه‌ها و وزارت‌خانه‌های دولتی برای حمایت از کارگران وضع شده بود صرف‌نظر کنیم (برای مثال نگاه کنید به: «نظامنامه کارگران مطابع طهران» در سال ۱۲۹۷: ساکما، ۲۷۸۱-۲۹۷؛ دستور سردار سپه مبنی بر «لزوم مراعات حفظ‌الصحه و بهبودی شرایط کارگران کارخانه‌جات قالی‌بافی» در سال ۱۳۰۲: ساکما، ۵۵۰۷-۲۹۳؛ اولین نظامنامه کارگری تهیه‌شده در سال ۱۳۰۶ از سوی وزارت فواید عامه: ساکما، ۶۱۷۸/۲۴۰)، به اقدام وزارت طرق و شوارع در تدوین «نظامنامه صندوق احتیاط» و تصویب آن در ۹ مرداد ۱۳۱۰ش باید به‌عنوان نخستین تکاپوهای رسمی دولت ایران در جهت حمایت از حقوق کارگران اشاره کرد.

این نظامنامه چهارده ماده‌ای که صرفاً به موضوع بهداشت کارگران و کارخانه‌جات و بیمه‌های اجتماعی کارگری معطوف می‌شد (استادوخ، ۱/۲۷/۱۳۱۷/ش؛ ۲/۲۷/۱۳۱۷/ش؛ ۳/۲۷/۱۳۱۷/ش؛ ۴/۲۷/۱۳۱۷/ش؛ ۵/۲۷/۱۳۱۷/ش)، تنها شامل حال کارگران وزارت طرق و شوارع می‌شد و کارگران سایر بخش‌ها از این امتیاز حداقلی نیز محروم بودند. براساس این نظامنامه از جمله خدمات حمایتی صندوق احتیاط وزارت طرق و شوارع به کارگران عبارت بود از: «مراقبت صحی عمله‌ها و کارگران روزمزد و معالجه و مداوای آنان» که در اثر حوادث و امراض ناشی از کار رخ داده بود؛ «پرداخت غرامت نقدی» به کارگرانی که درحین کار یکی از اعضای خود را از دست داده بودند؛ و «کمک نقدی معادل سه سال آخرین حقوق» به ورثه کارگرانی که درحین کار فوت می‌کردند (ساکما، ۱۱۵۹۶/۲۴۰؛ ۲۰۳۰۰/۲۴۰).

این مصوبه تا سال ۱۳۱۱ش در کشور اجرا می‌شد. با توجه به گسترش واحدهای صنعتی و کارخانه‌جات موجود در سایر شهرها (نمودار ۴)، و آغاز پروژه ساخت راه‌آهن در ایران و مشغول‌شدن تعداد زیادی کارگر در این بخش خدماتی و از آنجاکه دولت رأساً کارخانه‌جاتی را اداره می‌کرد و مهم‌ترین کارفرما در کشور محسوب می‌شد، دولت درصدد برآمد تا خدمات حمایتی صندوق احتیاط را که تا آن زمان فقط شامل حال کارگران وزارت طرق و شوارع می‌شد به کارگران دیگر هم تعمیم دهد؛ بنابراین براساس تصویب‌نامه‌ای که در مورخ ۱۳۱۲/۲/۱۴ موردصحه هیئت‌وزیران قرار گرفت، علاوه بر کارگران وزارت طرق و شوارع، سایر کارگران و کارکنان کنتراتی و روزمزد شاغل در کارخانه‌جات دولتی و بنگاه‌های صنعتی و معادن، شیلات و راه‌آهن نیز از مزایای صندوق احتیاط برخوردار شدند (ساکما، ۱۱۵۹۶/۲۴۰؛ ۲۰۳۰۰/۲۴۰؛ ۴۶۳۶/۲۹۰۰۰). چندین بار جرح و تعدیل‌هایی در این نظامنامه انجام شد و پس از افزوده‌شدن کارگران سایر بخش‌ها به صندوق احتیاط، مفاد جدیدی به این نظامنامه اضافه شد (ساکما، ۱۱۵۹۶/۲۴۰).

۱. مطابع چاپخانه‌ها؛ جمع مطبعه و مطبع.





نمودار ۴

فهرست توزیع و پراکندگی کارخانه جات
 موجود براساس تعداد در هر شهر
 (۱۳۱۱ ش)
 (ترسیم شده براساس آماروارقام عرضه شده
 در: فلور، ۱۳۷۱، صص ۶۱-۶۶).



از طرف دیگر، در سال ۱۳۱۲ش در جریان سفر هیئت اعزامی اداره بین‌المللی کار به ایران، این هیئت با آقای زرین کفش - کفیل وقت وزارت داخله - وارد مذاکره شد و هم‌چنین درباره لزوم و مزایای تأسیس اداره کار در تهران و وضع قانون جامع کار با اعضای این وزارت‌خانه وارد مذاکره شد. اعضای مذاکره‌کننده از این پیشنهاد استقبال کردند؛ ولی از هیئت اعزامی خواستند که درخواست خود را کتباً برای مقامات دولت شاهنشاهی ارسال کنند. در همین زمان جمال‌زاده نماینده ایران در اداره بین‌المللی کار در تشریح وظایف اداره کار طی نامه‌نگاری خویش به مقامات ایران خاطر نشان کرد: در تمام ممالک مترقی و پیشرفته علاوه بر وزارت‌خانه مرتبط با صنایع و کشاورزی، وزارت‌خانه جداگانه دیگری وجود دارد که به امور مربوط به کار و کارگری اختصاص داده شده است که از جمله وظایف اساسی آن وضع و اجرای قوانینی برای بهبود وضعیت کار و کارگران است که به مجموع آن‌ها «کُد کار» می‌گویند. او هم‌چنین خاطر نشان کرد: چنانچه در کشوری نظیر ایران تعداد کارگران مشغول به کار در صنایع و کشاورزی در حد و اندازه تأسیس وزارت‌خانه‌ای مستقل نباشد آن کشور به گشایش دفتری به نام «اداره کار» اکتفا خواهد کرد و آن را بنابه میل اولیای دولت جزو یکی از وزارت‌خانه‌ها قرار خواهد داد که «برای تحقیق در امور کار و تهیه لوایح قانونی و اجرای قوانین و مقررات موضوعه و تفتیش و نظارت مجهزتر از سایر وزارت‌خانه‌ها» خواهد بود (استادوخ، ۳-۱۱/۷/۸/۱۳۱۲ش). افزون بر این، جمال‌زاده برای تشویق و ترغیب دولتمردان ایرانی در تسریع روند مذکور مبنی بر تأسیس اداره کار در ایران و وضع قوانینی برای رفاه حال کارگران به اولیای وقت گوشزد کرد که حتی دولت عراق هم که کشوری تازه تأسیس است و تازه یک سال است به عضویت جامعه ملل و اداره بین‌المللی کار درآمده، برای بهبود و رفاه حال کارگران و زارعان خویش به تأسیس اداره کار و وضع قوانینی در این راستا اقدام کرده است (استادوخ، ۵-۱۱/۷/۸/۱۳۱۲ش). او ضمن الحاق ترجمه دو نسخه از تمام قراردادهای توصیه‌نامه‌های مصوب اداره بین‌المللی کار (استادوخ، ۱۶/۳/۸/۱۳۱۳ش) به گزارش خویش، در پایان نامه ارسالی خود در تیر ۱۳۱۳ش وظایف اداره کار را چنین برشمرد:

الف. تحقیق و بررسی در باب وضعیت صنعتی و کشاورزی کشور و کارگران شاغل در این بخش و ارزیابی شرایط و کیفیت محل کار؛

ب. دادن پیشنهادها و طرح‌های قانونی و تدوین نظامنامه‌هایی در زمینه: تعیین ساعت کار، تعطیلات هفتگی، میزان دستمزد پرداختی، حفظ و تأمین سلامت و بهداشت کارگران، حل و فصل مناقشات میان کارگر و کارفرما و دهقان و مالک، تعیین و ترتیب وضعیت زنان و اطفال کارگر، شیفت کاری در شب، آموزش و تعلیمات فنی به کارگران، تأسیس

شرکت‌های تعاونی، بیمه کارگران و کارگران مهاجر؛
ج. ضمانت اجرایی قوانین موضوعه در زمینه کار و کارگری از سوی اداره بلدیة
(شهرداری)؛

د. نظارت بر اجرای صحیح و اصولی قوانین وضع شده به کمک مأموران شهرداری،
مالیه و حکومتی؛

ه. حفظ مناسبات و تداوم روابط با اداره بین‌المللی کار و دادن گزارش‌های سالیانه
به کنفرانس و پاسخگویی به سؤالات مطروحه از جانب آن سازمان و مطالعه و بررسی
قراردادهایی که هر ساله از سوی اداره بین‌المللی کار وضع و تصویب می‌شود و تقدیم
این لوایح به مجلس شورای ملی اعم از اینکه مجلس بپذیرد یا رد کند (استادوخ،
۵-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱؛ ۶-۱۳۱۲/۷/۸/۱۱ ش).

چنانچه اشاره شد باوجود تغییراتی که در نظامنامه صندوق احتیاط وزارت طرق و
شوارع انجام شد، این نظامنامه دیگر پاسخگوی نیازهای صنعت روبه‌رشد ایران و افزایش
تعداد کارگران ایرانی نبود. سرانجام دولت در اثر فشارهای وارده از جانب اداره بین‌المللی
کار و برای پاسخگویی به نیازهای برآمده از توسعه و رشد کارخانه‌جات و کارگران، در
۱۳۱۵/۵/۱ ش به تصویب «نظامنامه کارخانه‌جات و مؤسسات» دست زد.

نماینده ایران در بیستمین کنفرانس اداره بین‌المللی کار، این سازمان را از تصمیم
کشور ایران و توجه خاص رضاشاه به تصویب قوانینی در راستای بهبود وضع کارگران
باخبر ساخت (استادوخ، ۱۳۱۵/۸/۱/۶۵ ش). دولت ایران در گزارش ارسالی به نماینده
خود در اداره بین‌المللی کار ضمن اشاره به توجهات رضاشاه به موضوع کارخانه‌جات و
صنایع و دستور او مبنی بر وضع قوانین و مقرراتی در جهت بهبود وضعیت کارگران اظهار
داشت: از آنجاکه «هنوز تشکیلات صنعتی به حدی نرسیده که تمام مقررات دفتر بین‌المللی
مشاغل را بتوان در این کشور اجرا نمود»، بنابراین دولت ایران به تهیه و تدوین «نظامنامه
کارخانه‌جات و مؤسسات» اقدام کرده و نسخه‌ای از آن را به اداره بین‌المللی کار تحویل
داده است (استادوخ، ۱۳۱۵/۸/۱/۸۰ ش). هم‌چنین دولت ایران به اداره بین‌المللی کار
وعده داد تا در آینده پس از مطالعات و بررسی‌های تکمیلی در اطراف موضوع، با توجه به
مقتضیات کشور ایران به وضع قوانین جامع‌تری اقدام کند و در این راستا از نظرات اداره
بین‌المللی کار نیز بهره‌مند شود (استادوخ، ۱۳۱۵/۸/۱/۸۰ ش).

این نظامنامه شامل ۹ فصل و ۶۹ ماده می‌شد. در هر فصل به یکی از مسائل مربوط
به کارخانه‌جات و کارگران پرداخته شده بود: فصل اول و دوم نظامنامه به تأسیس
کارخانه‌جات، شرایط بهداشتی و رعایت اصول ایمنی در آن‌ها اختصاص داده شده بود.



فصل سوم به سلامت و بهداشت کارگران و محیط کاری آنها پرداخته بود. فصل چهارم و پنجم به ترتیب با عنوان «تکالیف صاحب‌کار» و «در تکالیف مزدوران» به تنظیم روابط میان کارفرما و کارگر و حقوق این دو در قبال هم پرداخته بود. فصل ششم به حوادث ناشی از کار و غرامت پرداخت شده از سوی کارفرما می‌پرداخت. فصل هفتم به موضوع نظارت وزارت صنعت و معدن اشاره می‌کرد و فصل هشتم و نهم نیز به برخی از مقررات عمومی و میزان فراگیری این نظامنامه اشاره داشت (ساکما، ۲۴۰/۹۴۰۳۱؛ ۲۴۰/۳۲۵۱۱). اگرچه این نظامنامه چنانکه الول ساتن نیز اشاره کرده است: «اولین قانونی بود که دولت ایران برای بهبود اوضاع کارگران از مجلس شورای ملی گذراند» و وضع کارگران را تاحدی بهبود داد (ساتن، بی‌تا، ص ۳۰۷)، ولی هنوز ناقص بود و تا تبدیل شدن به قانون کار بسیار فاصله داشت. این قانون در قیاس با قانون کار مصوب در مصر و ترکیه نیز در درجه نازل‌تری قرار داشت. در حالی که در قانون کار مصر که مورد عنایت مقامات ایرانی قرار گرفته بود به کارگران توجه بیشتری شده بود، در «نظامنامه کارخانه‌جات و مؤسسات» چنانکه از نام آن هم هویداست بیشتر به مسائلی توجه شده بود که به پیشرفت صنعت و دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما در کشور منجر می‌شد. برای نمونه به دلیل نوبابودن صنایع و کارخانه‌جات ایران و نیاز به نیروی کارگر برای ساعات طولانی، به ساعت کار روزانه و اضافه‌کار، تعطیلات و مرخصی‌ها، حداقل دستمزد، و تعیین حداقل سن کار برای کودکان که جزو مهم‌ترین قوانین حمایتی در راستای بهبود وضعیت کارگران بود توجهی نشده بود و بیمه‌های اجتماعی کارگران تنها شامل حوادث ناشی از کار می‌شد و برای زنان کارگر هم به حقوق حداقلی اکتفا شده بود. چنانکه ساتن نیز به درستی اشاره می‌کند: دولت در وضع و تصویب این قانون دقت زیادی به عمل آورده بود و مفادش بسیار سخت‌گیرانه بود و هرگونه آزادی عملی را محدود می‌کرد و هرگونه جنبش و اعتصاب کارگری را غیرقانونی اعلام کرده بود (ساتن، بی‌تا، ص ۳۰۷). برخی از محققان مدعی شده‌اند که حتی همین قانون هم فقط بر روی کاغذ ماند و صورت اجرایی نیافت (لاجوردی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۵).

با وجود این، اداره بین‌المللی کار در شرحی که درباره «نظامنامه کارخانه‌جات و مؤسسات صنعتی»، مصوب ۱۳۱۵ ش، به وزارت امور خارجه ایران نوشت و آن را در نشریات این اداره به چاپ رساند، از دولتمردان ایران به دلیل وضع این نظامنامه حداقلی و اعمال قراردادهای توصیه‌های مصوب در اداره بین‌المللی کار در این نظامنامه جدید تقدیر و تشکر کرد. وزارت امور خارجه نیز در پاسخ به اداره بین‌المللی کار اعلام کرد: نظر به اینکه تجربیات و مطالعات کاملی در این سازمان درباره امور کار و کارگری انجام

شده است و از آنجاکه موضوع کار و کارگر در ایران با عنایت به توسعه روزافزون صنایع اهمیتی فراوان دارد، دولت ایران به دلیل عضویت در اداره بین‌المللی کار در آینده نیز خود را به رعایت و اعمال قراردادها و توصیه‌های ابلاغی از سوی این سازمان موظف می‌داند (استادوخ، ۱۳۱۶/۸/۵/۶ ش؛ ۱۳۱۶/۸/۵/۹ ش). البته شواهد و قرائن حاکی است که دولت ایران همچنان در انجام برخی از تعهداتش در برابر اداره بین‌المللی کار و فرستادن نمایندگان مستقل کارگر و کارفرما به این اداره بعضاً قصور ورزیده و باعث اعتراض اداره بین‌المللی کار به نمایندگی ایران در سال‌های بعدی شده است.

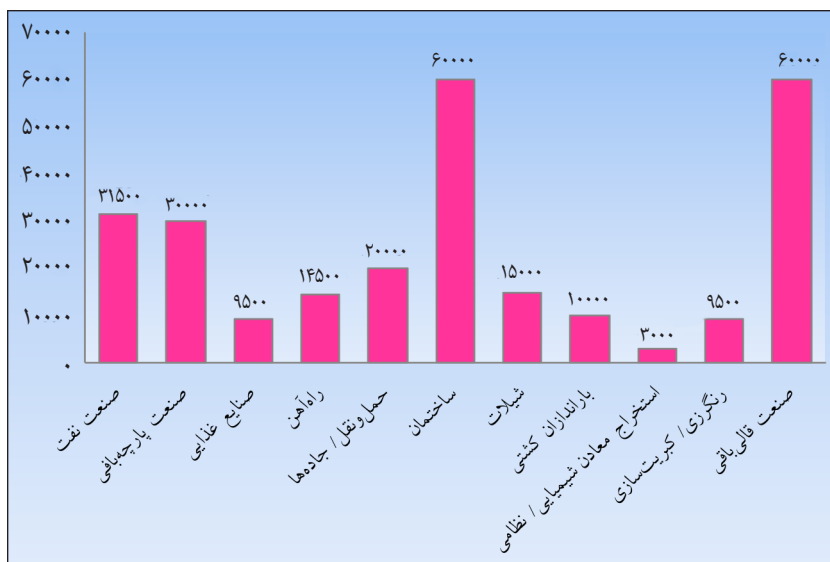
دولت ایران در پاسخ به این اعتراضات، به نمایندگی خود در ژنو خاطر نشان کرد: از ۱۸ سال پیش تاکنون که اداره بین‌المللی کار تأسیس شده و ایران به آن ملحق شده است، بالغ بر ۵۳ طرح قرارداد و ۴۸ سفارش از سوی این سازمان در ۸۰ مجلد وضع شده است. از نظر مقامات ایران بررسی و مطالعه کامل این مصوبات و تطبیق آن با وضعیت ایران به دلیل نبود اطلاعات و مهیا نبودن شرایط در ایران به صرف وقت بیشتری نیاز دارد. افزون بر این، دولت ایران فاقد تشکیلاتی است که قادر باشد نمایندگان کارگر و کارفرما را هر ساله راهی کنفرانس کند. دولت در نهایت اشاره کرد: تنها کاری که می‌تواند بکند این است که سفارش‌ها و طرح قراردادهایی را که اداره بین‌المللی کار از امسال به بعد تهیه و تدوین می‌کند، بدون آنکه آن اداره انتظار داشته باشد فوراً متمر ثمر واقع شود، مطالعه و بررسی خواهد کرد. در نهایت نیز خاطر نشان کرد که همین کار نیز به دلیل نبود اداره‌ای مخصوص و اعضای کافی و کاردان کاری چندان سهل و ممکن نیست. برای نمونه دولت ایران وضعیت اتاق جامعه ملل در وزارت امور خارجه ایران را آن قدر اسفبار می‌داند که امکان تهیه اوراق لازم برای پاسخگویی به درخواست‌های اداره بین‌المللی کار را عملاً ناممکن می‌داند (استادوخ، ۱۳۱۶/۸/۱۱/۳ ش؛ ۱۳۱۶/۸/۱۱/۴ ش؛ ۱۳۱۶/۸/۱۱/۵ ش؛ ۱۳۱۶/۸/۱۱/۶ ش).

چنانکه اشاره شد ایران در سال‌های بعدی هم همچنان در انجام برخی از تعهدات خود در قبال اداره بین‌المللی کار قصور می‌ورزید و از اعزام نماینده و در اختیار قراردادن همه اطلاعات به این اداره خودداری می‌کرد و بررسی آن‌ها را خارج از حوزه اختیارات اداره بین‌المللی کار می‌دانست (استادوخ، ۱۳۱۶/۸/۹/۳ ش). برای نمونه دولت ایران یک بار به درخواست اداره بین‌المللی کار مبنی بر تقلیل ساعات کار معادن واقعی نهاد و ابراز داشت «که نماینده داشتن در آن چندان به صلاح ما نیست» (استادوخ، ۱۳۱۶/۸/۹/۳ ش). هم‌چنین در باب موضوع آزادی اقتصادی زنان کارگر اعلام داشت که «این موضوع فعلاً در ایران چندان موضوع مبتلا بهی نیست» و به همین بهانه از حضور در اجلاس خودداری ورزید (ساکما، ۲۹۷/۱۹۱۳۲). با وجود این، عضویت ایران در اداره بین‌المللی کار و دریافت



مصوبات این سازمان، در راستای بهبود وضعیت کارگران بسیار ذی‌نقش بود. عضویت ایران در اداره بین‌المللی کار به‌رحال سبب آگاهی هرچه‌بیشتر ایرانیان از قوانین بین‌المللی مصوب در زمینه کار و کارگران می‌شد و مسئولان می‌توانستند از تجربیات این اداره در راستای وضع قوانین جدید کارگری در ایران بهره‌مند شوند. افزون بر این، عضویت ایران در اداره بین‌المللی کار و فشار مجامع جهانی ایران را ملزم به رعایت برخی تعهدات می‌کرد که می‌توانست در بلندمدت مفید واقع شود. مقامات ایرانی که نمی‌خواستند در سطح بین‌المللی از ایران بانام کشوری یاد شود که در قبال تعهدات خود در عرصه جهانی کوتاهی می‌کند و این را مایه وهن نظام می‌دانستند، دست‌کم سعی می‌کردند تا سرحد امکان پیشنهادها و توصیه‌های اداره بین‌المللی کار را در دستور کار خویش قرار دهند و آن‌ها را محقق سازند. مثلاً در پی درخواست اداره بین‌المللی کار از ایران برای دادن فهرستی از نیروی کار با هدف تدوین برنامه‌ای دقیق و واقع‌بینانه با توجه به وضعیت دول عضو، برای اولین بار دولت به‌طور جدی به آمارگیری و تعیین وضعیت مشاغل اقدام کرد (استادوخ، ۱۳۱۷/۸/۹/۱؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۶؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۳؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۴؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۵؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۶؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۷؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۱۸؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۱؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۲؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۳؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۴؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۵؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۲۶؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۳۷؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۱؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۳؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۴؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۶؛ ۱۳۱۷/۸/۹/۴۷). این آماروارقام مبنایی برای تدوین اولین سال‌نامه دقیق آماری از تعداد صنایع و کارخانه‌جات و تعداد کارگران شاغل در بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی و پایه و اساس تهیه و تدوین اولین قانون کار (در سال ۱۳۲۸ش) در ایران شد.

با سقوط رضاشاه و اشغال ایران به‌دست متفقین، از یک‌سو فضای سیاسی کشور باز شد و احزاب، گروه‌ها و فعالان سیاسی مجدداً به تکاپو افتادند و از سوی دیگر، به‌دلیل بی‌ثباتی اقتصادی حاکم بر کشور در سال‌های پس از جنگ و افزایش بی‌رویه قیمت کالاها، کارگران به‌عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به‌لحاظ معیشتی تحت فشار زیادی قرار گرفتند. این موضوع به‌نوبه خود سبب شد تا احزاب چپ و کارگران سرکوب‌شده در دوران سلطنت استبدادی رضاشاه، یک بار دیگر باهم متحد شوند. احزاب و فعالان سیاسی چپ از شهریور ۲۰ به این‌سو، درصدد برآمدند تا طبقه کارگر را که در اثر سیاست‌های اقتصادی دولت پهلوی اول بر تعداد آن‌ها افزوده شده بود و در مجموع به‌همراه شاغلان بخش صنایع سنتی به ۵۱۳۰۰۰۰ تن می‌رسیدند (نمودار ۵)، جذب کنند.



نمودار ۵

توزیع کارگران در بخش‌های مختلف صنعتی (به استثنای ۲۵۰ هزار فرد شاغل در صنایع سنتی) (ترسیم شده براساس آمار و ارقام عرضه شده در: فلور، ۱۳۷۱، ص ۴۴).

کارگران نیز به‌طور متقابل به‌لحاظ نظری به حامیانی نیاز داشتند که بتوانند آن‌ها را در راستای بهبود وضعیت و پیگیری مطالباتشان در جامعه یاری کنند. این نیاز متقابل در حداثه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش باعث پیوند عمیق میان احزاب چپ و کارگران به‌عنوان نیروهای فعال در صحنه شد. در نتیجه، کارگران توانستند از طریق اعمال فشار احزاب چپ‌گرا بر دولت، به‌ویژه حزب توده، به کسب امتیازاتی مهم در این دوره نائل آیند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به وضع قانون جامع کار در سال ۱۳۲۸ش در ایران اشاره کرد.

۵. نتیجه‌گیری

با تأسیس دولت پهلوی نوسازی رسمی در ایران آغاز شد. پس از تأمین و تثبیت امنیت در ایران، بر نوسازی اداری و آموزشی به‌عنوان اموری داخلی اهتمام شد. رضاشاه در این امور کاملاً مبسوط‌الید عمل می‌کرد و حتی از سوی قدرت‌های خارجی نیز تأیید می‌شد؛ ولی با آغاز و ادامه نوسازی صنعتی دایره موضوع از داخل به خارج کشیده شد و دولت رضاشاه از سوی اداره بین‌المللی کار تحت فشار قرار گرفت. با توصیه و سپس تکلیف اداره بین‌المللی کار، دولت ایران به وضع قوانین کارگری موظف شد. با وجود ورود به عرصه مدرنیسم صنعتی، دولتمردان ایرانی در آغاز به تدوین و وضع قوانین کارگری توجه و گرایش چندانی نداشتند. عقب‌ماندگی اقتصادی ایران و فقدان طبقه کارگر صنعتی از یک‌سو و ناسازگاری رضاشاه با احزاب چپ‌گرا، به‌عنوان حامیان اصلی حقوق طبقه کارگر



از سوی دیگر، در تعلق هرچه بیشتر او برای وضع قانون کار در ایران نقش داشت. دولت و سیاست‌گذاران عصر پهلوی اول در صدد بودند تا همچنان مناسبات کارگر و کارفرما را در مجرای دوران سنت به پیش ببرند؛ ولی سرانجام دولت در برابر فشارهای اداره بین‌المللی کار تسلیم شد و مجبور شد تا نخستین قانون کارگری ایران را به تصویب مجلس برساند.

منابع

اسناد

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

۱۳۳۷ ق

کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۵؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۶؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۷؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۴۹؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۵۰؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۵۱؛ کارتن ۳، پرونده ۱۵، شماره‌سند ۵۲.

۱۳۳۹ ق

کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۱۴؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۱۵؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۳؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۴؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۵؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۶؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۷؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۲۷، ۱؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۶۲؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۶۳؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۶۴؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۰؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۱؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۳؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۴؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۴، ۱؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۵؛ کارتن ۵۹، پرونده ۵، شماره ۷۵، ۱؛ کارتن ۶۳، پرونده ۶، شماره ۱۷؛ کارتن ۶۶، پرونده ۲۲، شماره ۲۸؛ کارتن ۶۶، پرونده ۲۲، شماره ۲۹.

۱۳۱۰ ش

کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳-۱۱؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۴-۱۱؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۴-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۵-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۶-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۷-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۸-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۹-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲۸-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲۹-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۰-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۱-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۲-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۳-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳۴-۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۱ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۴ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۵ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۶ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۷ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۸ و ۲-۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۹ و ۲-۴۶.



۱۳۱۱ ش

کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۲-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۳-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۴-۱۶۲؛
کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۵-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱۶-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۱،
شماره ۲۱-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۲-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۳-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱،
شماره ۲۴-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۵-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۶-۱۶۲؛ کارتن ۱،
پرونده ۱، شماره ۲۷-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۸-۱۶۲؛ کارتن ۱، پرونده ۱، شماره ۲۹-۱۶۲.

۱۳۱۲ ش

کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۱-۱۱؛ کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۲-۱۱؛ کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۳-۱۱؛ کارتن
۷، پرونده ۸، شماره ۴-۱۱؛ کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۵-۱۱؛ کارتن ۷، پرونده ۸، شماره ۶-۱۱.

۱۳۱۳ ش

کارتن ۸، پرونده ۳، شماره ۱۶.

۱۳۱۵ ش

کارتن ۸، پرونده ۱، شماره ۶۵؛ کارتن ۸، پرونده ۱، شماره ۸۰.

۱۳۱۶ ش

کارتن ۸، پرونده ۱، شماره ۲-۳۳؛ کارتن ۸، پرونده ۵، شماره ۶؛ کارتن ۸، پرونده ۵، شماره ۹؛ کارتن ۸، پرونده
۹، شماره ۳؛ کارتن ۸، پرونده ۱۱، شماره ۳؛ کارتن ۸، پرونده ۱۱، شماره ۴؛ کارتن ۸، پرونده ۱۱، شماره
۵؛ کارتن ۸، پرونده ۱۱، شماره ۶.

۱۳۱۷ ش

کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۱، شماره ۲۷، ۱؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۲، ۲۷؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۳، ۲۷؛ کارتن ۸،
پرونده ۸، شماره ۴، ۲۷؛ کارتن ۸، پرونده ۸، شماره ۵، ۲۷؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱؛ کارتن ۸، پرونده
۹، شماره ۶؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۳؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۴؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره
۱۵؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۶؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۷؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۱۸؛
کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۱؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۲؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۳؛ کارتن ۸،
پرونده ۹، شماره ۲۴؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۵؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۲۶؛ کارتن ۸، پرونده
۹، شماره ۳۷؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۴۱؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۴۳؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره
۴۴؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۴۶؛ کارتن ۸، پرونده ۹، شماره ۴۷.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۲۹۷/۱۹۱۳۲؛ ۲۹۳/۶۴۴۶؛ ۲۹۳/۵۵۰۷؛ ۲۴۰/۹۴۰۳۱؛ ۲۴۰/۳۲۵۱۱؛ ۲۴۰/۲۰۳۰۰؛ ۲۴۰/۱۱۵۹۶؛ ۲۴۰/۶۱۷۸

۲۹۰۰۰۴۶۳۶؛ ۲۹۷/۲۷۸۸۱



کتاب

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*. (چ ۱). (احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نی.
- آفاری، ژانت. (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*. (رضارضای، مترجم). تهران: بیستون.
- آوری، پیترو. (۱۳۸۸). *تاریخ ایران کمبریج: جلد هفتم، قسمت دوم: قاجاریه*. (تیمور قادری، مترجم). تهران: مهتاب-آبفام.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: پیام.
- اشرف، احمد. (۱۳۹۳). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. (چ ۲). (سهیلا ترابی فارسانی، مترجم). تهران: نیلوفر.
- باربر، جولیان. (۱۳۶۳). *اقتصاد ایران*. تهران: بی‌نا.
- بهار، ملک‌الشعرا. (۱۳۸۶). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه*. (چ ۱). (چ ۷). تهران: امیرکبیر.
- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۴). *گنج شایگان*. تهران: سخن.
- ساتن، الول. (بی‌تا). *رضاشاه کبیر یا ایران نو*. (عبدالعظیم صبوری، مترجم). بی‌نا.
- شاکری، خسرو. (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال‌دموکراسی در آن عهد*. تهران: اختران.
- صادقی، زهرا. (۱۳۸۷). *سیاست‌های صنعتی در دوران رضاشاه*. تهران: خجسته.
- فلور، ویلم. (۱۳۷۱). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران جلد ۸: صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی*. (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.
- فوران، ژان. (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده*. (احمد تدین، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۹۲). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. (محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: مرکز.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۷). *ایران و قضیه ایران*. (چ ۲). (چ ۶). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاجوردی، حبیب. (۱۳۶۹). *اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران*. (ضیاء صدقی، مترجم). تهران: نشر نو.

مقاله

- بیات، کاوه. (۱۳۹۰). «در کنار، یا برکنار از کارگران ایران: آبدان، اردیبهشت ۱۳۰۸». چاپ شده در کتاب *دولت و فرودستان: فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران*. (تورج اتابکی، کوشش‌گر). (آرش عزیزی، مترجم). تهران: ققنوس.



- ططری، علی. (پاییز ۱۳۸۳). «نقد و نظری بر اولین نظامنامه‌های کارگری قالی‌بافان ایران (کرمان)». *گنجینه اسناد*، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۹۴-۱۰۳.
- منصوربخت، قباد. (تابستان ۱۳۸۸). «کشاورزی تجاری در دوره قاجاریه». *تاریخ ایران*، سال دوم، شماره ۳، (پیاپی ۶۱)، صص ۱۲۳-۱۵۰.
- عبداله‌یف. (۱۳۶۰). «روستائیان ایران در اواخر قاجاریه». چاپ شده در کتاب *مسائل ارضی و دهقانی*. (مارینا کاظم‌زاده، مترجم). تهران: آگاه.

روزنامه

- کار، شماره ۵۱، (۱۳۰۲ ش.).
- مردان روز، شماره ۱، (۱۳۰۳ ش.).

English Translation of References

Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e 'Omur-e Xāreje (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

1337 AH / 1919 AD

- Box 3, Folder 15, Document number 5;
- Box 3, Folder 15, Document number 6;
- Box 3, Folder 15, Document number 7;
- Box 3, Folder 15, Document number 49;
- Box 3, Folder 15, Document number 50;
- Box 3, Folder 15, Document number 51;
- Box 3, Folder 15, Document number 52.

1339 AH / 1921 AD

- Box 59, Folder 5, Document number 14;
- Box 59, Folder 5, Document number 15;
- Box 59, Folder 5, Document number 23;
- Box 59, Folder 5, Document number 24;
- Box 59, Folder 5, Document number 25;
- Box 59, Folder 5, Document number 26;



Box 59, Folder 5, Document number 27;
Box 59, Folder 5, Document number 27,1;
Box 59, Folder 5, Document number 62;
Box 59, Folder 5, Document number 63;
Box 59, Folder 5, Document number 64;
Box 59, Folder 5, Document number 70;
Box 59, Folder 5, Document number 71;
Box 59, Folder 5, Document number 73;
Box 59, Folder 5, Document number 74;
Box 59, Folder 5, Document number 74,1;
Box 59, Folder 5, Document number 75;
Box 59, Folder 5, Document number 75,1;
Box 63, Folder 6, Document number 17;
Box 66, Folder 22, Document number 28;
Box 66, Folder 22, Document number 29.

1310 SH / 1931 AD

Box 8, Folder 8, Document number 3-11;
Box 8, Folder 8, Document number 4-11;
Box 8, Folder 8, Document number 2-13;
Box 8, Folder 8, Document number 3-13;
Box 8, Folder 8, Document number 4-13;
Box 8, Folder 8, Document number 5-13;
Box 8, Folder 8, Document number 6-13;
Box 8, Folder 8, Document number 7-13;
Box 8, Folder 8, Document number 8-13;
Box 8, Folder 8, Document number 13-30;
Box 8, Folder 8, Document number 13-31;
Box 8, Folder 8, Document number 13-32;
Box 8, Folder 8, Document number 13-33;
Box 8, Folder 8, Document number 13-34;



Box 8, Folder 8, Document number 1, 2-46;
Box 8, Folder 8, Document number 2, 2-46;
Box 8, Folder 8, Document number 3, 2-46;
Box 8, Folder 8, Document number 4, 2-46;
Box 8, Folder 8, Document number 5, 2-46;
Box 8, Folder 8, Document number 6, 2-46;
Box 8, Folder 8, Document number 7, 2-46;
Box 8, Folder 8, Document number 8, 2-46;
Box 8, Folder 8, Document number 9, 2-46;

1311 SH / 1932 AD

Box 1, Folder 1, Document number 12-162;
Box 1, Folder 1, Document number 13-162;
Box 1, Folder 1, Document number 14-162;
Box 1, Folder 1, Document number 15-162;
Box 1, Folder 1, Document number 16-162;
Box 1, Folder 1, Document number 21-162;
Box 1, Folder 1, Document number 22-162;
Box 1, Folder 1, Document number 23-162;
Box 1, Folder 1, Document number 24-162;
Box 1, Folder 1, Document number 25-162;
Box 1, Folder 1, Document number 26-162;
Box 1, Folder 1, Document number 27-162;
Box 1, Folder 1, Document number 28-162;
Box 1, Folder 1, Document number 29-162.

1312 SH / 1933 AD

Box 7, Folder 8, Document number 1-11;
Box 7, Folder 8, Document number 2-11;
Box 7, Folder 8, Document number 3-11;
Box 7, Folder 8, Document number 4-11;
Box 7, Folder 8, Document number 5-11;



Box 7, Folder 8, Document number 6-11.

1313 SH /1934 AD

Box 8, Folder 3, Document number 16.

1315 SH / 1936 AD

Box 8, Folder 1, Document number 65;

Box 8, Folder 1, Document number 80.

1316 SH / 1937 AD

Box 8, Folder 1, Document number 2-33;

Box 8, Folder 5, Document number 6;

Box 8, Folder 5, Document number 9;

Box 8, Folder 9, Document number 3;

Box 8, Folder 11, Document number 3;

Box 8, Folder 11, Document number 4;

Box 8, Folder 11, Document number 5;

Box 8, Folder 11, Document number 6.

1317 SH / 1938 AD

Box 8, Folder 8, Document number 27,1;

Box 8, Folder 8, Document number 27,2;

Box 8, Folder 8, Document number 27,3;

Box 8, Folder 8, Document number 27,4;

Box 8, Folder 8, Document number 27,5;

Box 8, Folder 9, Document number 1;

Box 8, Folder 9, Document number 6;

Box 8, Folder 9, Document number 13;

Box 8, Folder 9, Document number 14;

Box 8, Folder 9, Document number 15;

Box 8, Folder 9, Document number 16;

Box 8, Folder 9, Document number 17;

Box 8, Folder 9, Document number 18;

Box 8, Folder 9, Document number 21;



Box 8, Folder 9, Document number 22;

Box 8, Folder 9, Document number 23;

Box 8, Folder 9, Document number 24;

Box 8, Folder 9, Document number 25;

Box 8, Folder 9, Document number 26;

Box 8, Folder 9, Document number 37

Box 8, Folder 9, Document number 41;

Box 8, Folder 9, Document number 43;

Box 8, Folder 9, Document number 44;

Box 8, Folder 9, Document number 46;

Box 8, Folder 9, Document number 47. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives

Organization of Iran):

240/6178; 240/11596; 240/20300; 240/32511; 240/94031; 293/5507; 293/6446;

297/19132; 297/27881; 290004636. [Persian]

Books

Abrahamian, Ervand. (1382/2003). *“Irān bein-e do enqelāb”* (Iran between two revolutions)

(11th ed.). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi.

Tehran: Ney. [Persian]

Afary, Janet. (1385/2006). *“Enqelāb-e mašrute-ye Irān”* (The Iranian constitutional

revolution, 1906 - 1911: Grass roots democracy, social democracy). Translated by

Reza Rezaei. Tehran: Bisetun. [Persian]

Ashraf, Ahmad. (1359/1980). *“Mavāne’ e tārixī-ye sarmāye-dāri dar Irān: Dowre-ye*

Qājārieh” (Social classes, state and revolution in Iran: A collection of essays).

Tehran: Payām. [Persian]

Ashraf, Ahmad. (1393/2014). *“Tabaqāt-e ejtemā’ee, dowlat va enqelāb dar Irān”*

(Historical obstacles to the development of capitalism in Iran: Qajar period).

Translated by Soheila Torabi Farsani. Tehran: Nilufar. [Persian]

Avery, Peter. (1388/2009). *“Tārix-e Irān Kambrij: Jeld-e haftom: Qesmat-e dovom:*



- Qājārieh*” (The Cambridge history of Iran: Volume seven: Part two: Qajar period).
Translated by Teymour Ghaderi. Tehran: Mahtāb-Āyfām. [Persian]
- Bahar, Malek Al-Sho’ara. (1386/2007). *“Tāriḫ-e moxtasar-e ahzāb-e siāsi-ye Irān: Enqerāz-e Qājārieh”*. (vol. 1) (7th ed.). Tehran: Amir Kabir.
- Bharier, Julian. (1363/1984). *“Eqtesād-e Irān”* (Economic development in Iran, 1900 – 1970). Tehran: (n. p.) [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1387/2008). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 2) (6th ed.). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Enteshārāt-e ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Foran, John. (1388/2009). *“Moqāvemāt-e šekanandeh”* (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Mo’assese-ye Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā. [Persian]
- Floor, Willem. (1371/1992). *“Jostār-hā-yi az tāriḫ-e ejtemā’ee-ye Irān Jeld-e 8: San’ati šodan-e Irān va šureš-e Šeix Ahmad Madani”* (Industrialization in Iran and the revolt of Shaikh Ahmad Madani) (vol. 8). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran: Tus. [Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1384/2005). *“Ganj-e Šāyḡān”* (The worthy treasure). Tehran: Soxan. [Persian]
- Katouzian, Homyun. (1392/2013). *“Eqtesād-e siāsi-ye Irān: Az mašrutiat tā pāyān-e selsele-ye Pahlavi”* (Political economics in Iran from constitutional revolution to the end of Pahlavid era). Translated by Mohammad Reza Nafisi & Kambiz Azizi. Tehran: Markaz. [Persian]
- Lajevardi, Habib. (1369/1990). *“Ettehādīe-hā-ye kārgari va xod-kāmegi dar Irān”* (Labor unions and autocracy in Iran). Translated by Zia’ Sedghi. Tehran: Našr-e No. [Persian]
- Sadeghi, Zahra. (1387/2008). *“Siāsat-hā-ye san’ati dar dowrān-e Rezā Šāh”* (Industrial policies during the reign of Reza Shah). Tehran: Xojasteh. [Persian]
- Shakeri, Khosro. (1384/2005). *“Pišīne-hā-ye eqtesādi-ejtemā’ee-ye jonbeš-e mašrutiat va enkešāf-e sosyāl demokrāsi dar ān ahd”* (The Russo-Caucasian origins of the Iranian left: Social democracy in modern Iran). Tehran; Axtarān.

Sutton, Elwell. (n. d.). *“Rezā Šāh-e kabir yā Irān-e no”* (Reza Shah or new Iran).
Translated by Abd Al-Azim Sabouri. (n. p.). [Persian]

Articles

Abdullayev. (1360/1981). “Rustāeeyān-e Irān dar avāxer-e Qājārieh” (Iranian villagers in the late Qajar period). In Marina Kazemzadeh (Ed.), *“Masā’el-e arzi va dehqāni”* (Territorial and peasant issues). Tehran: Āgāh. [Persian]

Bayat, Kaveh. (1390/2011). “Dar kenār, yā bar kenār az kārgarān-e Irān: Ābādān, Ordibehešt 1308” (With or without workers in Reza Shah’s Iran: Abadan, May 1929). In Touraj Atabaki (Ed.), *“Dowlāt va forudastān: Farāz o forud-e tajaddod-e āmerāneh dar Torkieh va Irān”* (The state and the subaltern: Modernization, society and the state in Turkey and Iran). Translated by Arash Azizi. Tehran: Qoqnus. [Persian]

Mansourbakht, Ghobad. (Summer 1388/2009). “Kešāvarzi-ye tejāri dar dowre-ye Qājārieh” (Commercial agriculture in the Qajar period). *Tārix-e Irān* (Journal of Iran History), 2 (3) (consecutive issue 61), pp. 123-150. [Persian]

Tatari, Ali. (Fall 1383/2004). “Naqd o nazari bar avvalin nezām-nāme-hā-ye kārgari-ye qālibāfān-e Irān, Kermān” (A Research on the first charter for Iran’s carpet-weavers labor union, Kerman City). *Ganjine-ye Asnād*, 14 (3), pp. 94-103. [Persian]

Press

“Kār” (Kar Newspaper), Issue 51, 1302 SH / 1923. [Persian]

“Mardān-e ruz” (Mardan-I Ruz Newspaper), Issue 1, 1303 SH / 1924. [Persian]

